

نقد رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

دکتر زهرا خوشنود^۱

رسول خوانساری^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱

چکیده

پس از بحران مالی اخیر به دلیل وجود شکاف‌های زیاد در مدیریت ریسک نقدینگی، مدیریت این ریسک در بانک‌ها اهمیت بیشتری یافته، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از رهنمودهای نهادهای بین‌المللی همچون کمیته بال بر آن تمرکز پیدا کرده است و در راستای پیاده‌سازی این رهنمودها، بسیاری از کشورها به تنظیم رهنمودهای جدید مدیریت ریسک نقدینگی پرداخته‌اند. از این رو ضروری است ساختار مورد انتظار مدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌های ایران که باید در چارچوب رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی تنظیم شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیاده‌سازی شود، از نظر پوشش

* استادیار گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، نویسنده مسئول، rkhooshnoud@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهشی، گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، rkhsansari@gmail.com

شکاف‌های فوق و تأمین ابعاد جدید حوزه مدیریت ریسک نقدینگی ارزیابی شود. بنابراین در این مقاله، رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران ارزیابی و کاستی‌های آن مطرح خواهد شد. در کنار ارزیابی و نقد این رهنمود که دقیقاً در زمان وقوع بحران مالی اخیر و بر اساس رویکرد رهنمود کمیته بال در مدیریت ریسک نقدینگی منتشره در سال ۲۰۰۰، طراحی شده است؛ شناسایی دیگر شکاف‌های مقرراتی و معرفی ضرورت تنظیم مقرراتی در حوزه‌های شناسایی شده می‌تواند به عنوان گام مؤثری در حرکت به سمت تنظیم ساختار جامع مقرراتی مناسب در مدیریت ریسک نقدینگی و سوق بانک‌ها به سمت به‌کارگیری آنها و در نهایت، اجرای مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک نقدینگی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی

طبقه‌بندی JEL: K20, G28, G21, G32

۱. مقدمه

مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی اصولاً بر پایه ساختار مقرراتی تنظیم شده در هر کشور شکل می‌گیرد. ساختار مقرراتی هر کشور نیز به میزان پایبندی آن کشور به مقررات تنظیم شده در عرصه بین‌المللی و میزان توسعه‌یافتگی سیستم مالی بستگی دارد و به این ترتیب سطح متفاوتی از مقررات داخلی و حوزه‌های تحت پوشش در کشورهای مختلف شکل می‌گیرد.

به منظور بررسی و شناسایی نحوه مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران، ضروری است ابتدا نحوه مدیریت این ریسک بر پایه ساختار مقرراتی و نظارتی تنظیم شده برای مدیریت ریسک نقدینگی توسط بانک مرکزی بررسی شود. البته در این زمینه علت عدم پایه‌ریزی چهارچوب مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در بانک‌ها از دیدگاه بانکی که نهاد اجراکننده مدیریت ریسک نقدینگی است نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این راستا ارزیابی رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی نیز در ادامه ارائه خواهد شد. ارزیابی این رهنمود، افق مناسبی را جهت بهبود و ارتقای ساختار مقرراتی فعلی مدیریت ریسک نقدینگی به تصویر خواهد کشید و انتظار می‌رود با ارتقای ساختار مقرراتی و پرشدن شکاف‌های مقرراتی، چهارچوب مدیریت مناسبی در عرصه ریسک نقدینگی در سیستم بانکی پیاده‌سازی و اجرا شود.

۲. نحوه مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران

به منظور ارزیابی دقیق نحوه مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران، این مسأله را از دو بعد مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا طرف سیستم بانکی که نهاد اجراکننده مدیریت ریسک نقدینگی است و سپس طرف بانک مرکزی که نهاد مقررات‌گذار و نظارت‌کننده بر اجرای مدیریت ریسک نقدینگی می‌باشد مورد توجه قرار می‌گیرد.

در ارتباط با سیستم بانکی شایان ذکر است بیشتر بانک‌ها همچنان بخش مدیریت ریسک فعالی را در چهارچوب ساختار خود تنظیم نکرده‌اند. در حقیقت از آنجا که در این زمینه کارشناسان برجسته زیادی در کشور نداریم، بانک‌ها نیز نمی‌توانند به سرعت وارد

عمل شوند و حتی در برخی موارد، بخش مدیریت ریسک طراحی شده در ساختار سازمانی بانک‌ها، در حدی ابتدایی صرفاً در حال آموزش و انجام مطالعات اولیه است. علاوه بر این، از آنجا که بیشتر بانک‌ها در پروژه‌های بلندمدت خود صرفاً پیاده‌سازی توافق‌نامه بال ۲ را مد نظر قرار داده بودند و در این توافق‌نامه نیز به مدیریت ریسک نقدینگی توجهی نشده و صرفاً متمرکز بر ریسک‌های اعتباری، بازار و عملیاتی بود، بانک‌ها نیز مدیریت ریسک نقدینگی در ابعاد مورد انتظار را در دستور کار خود قرار نداده بودند. همچنین بین ریسک‌های مورد توجه در توافق‌نامه بال ۲، بر مدیریت ریسک اعتباری متمرکز شده و طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های رتبه‌بندی اعتباری را در اولویت کاری خود قرار داده بودند.

به بیان دقیق‌تر در ایران نیز همانند رویکرد جهانی قبل از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۷، که توجه چندانی به مدیریت مناسب ریسک نقدینگی صورت نمی‌گرفت، این مقوله از دید مدیران بانکی نادیده انگاشته شد. با این حال، در دیگر کشورها، بسیاری از ابعاد مدیریت ریسک نقدینگی توسط بانک‌ها دنبال می‌شد، البته در حدی کما بیش پوشش‌دهنده رهنمود تنظیم‌شده کمیته بال در سال ۲۰۰۰ در زمینه مدیریت ریسک نقدینگی. به عبارتی دیگر، شکاف نقدینگی، نسبت‌های نقدینگی، آزمون‌های استرس نقدینگی و برنامه‌های تأمین مالی اقتضایی در بسیاری از کشورها پیاده‌سازی شده بودند ولی با کاستی‌های فراوان. این در حالی است که در ایران حتی نسبت‌های نقدینگی که ساده‌ترین روش محاسبه ریسک نقدینگی است در صورت‌ها و گزارش‌های مالی بانک‌ها گزارش نمی‌شود. در حقیقت، گزارش‌های مالی بانک‌ها بر حسب محاسبه انواع مختلف ریسک و نمایش مقدار خطرپذیری بانک در قبال آن ریسک تنظیم نمی‌شود. از این‌رو بانک‌ها در محاسبه و گزارش خطرپذیری ریسک نقدینگی خود با الزامی مواجه نمی‌باشند.

در طرف مقابل در حیطه مقررات‌گذاری و نظارت بر ریسک نقدینگی از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز مقررات جامعی در زمینه مدیریت ریسک نقدینگی طراحی نشده است. در حقیقت صرف ابلاغ «رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی» به بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست‌بانک و مؤسسه اعتباری توسعه در سال ۱۳۸۶ نمی‌تواند الزام پیاده‌سازی ساختار مناسب مدیریت ریسک نقدینگی را در سیستم بانکی کشور به تصویر بکشد.

در حقیقت پیاده‌سازی ساختار مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی نه تنها نیازمند پیاده‌سازی الزامات زیربنایی آن در بانک‌هاست؛ بلکه بانک مرکزی نیز، به عنوان نهاد مقررات‌گذار و ناظر، باید اشراف کاملی به ابعاد مختلف مدیریت این ریسک داشته باشد و به کارشناسان باتجربه‌ای در این زمینه مجهز باشد به نحوی که بتواند کلیه ابعاد مدیریت این ریسک در بانک‌ها (مشمتمل بر ساختار حاکمیت شرکتی، نحوه اندازه‌گیری، کنترل و پایش ریسک نقدینگی) را ارزیابی نماید.

همچنین باید به پشتوانه تیم کارشناسی خود، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را جهت الزامی نمودن پیاده‌سازی ساختار مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در نظام بانکی طراحی و به نظام بانکی ابلاغ نماید. به بیان دقیق‌تر، صرف طراحی رهنمودی کلی در زمینه مدیریت ریسک نقدینگی از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشد. حداقل در ایران که بانک‌ها به رهنمودهای بین‌المللی در زمینه مدیریت انواع ریسک پایبند نیستند، به رهنمودها و مقررات داخلی بیشتری نیاز است.

بانک مرکزی نیز در نظارت بر نحوه مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها باید ملزم به پایبندی به مقررات شود. در حقیقت، هم بانک‌ها و هم بانک مرکزی باید در ایفای وظایف خود از مقررات تنظیم‌شده‌ای پیروی نمایند، هر چند در زمینه مقررات مورد نیاز بانک‌ها قبلاً تدابیری از طرف بانک مرکزی اندیشیده شده است اما تاکنون ضرورت طراحی مقرراتی در ایفای مناسب نقش نظارتی بانک مرکزی دیده نشده است. از این‌رو نحوه مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران در دو طرف مسأله یعنی سیستم بانکی (نهاد اجراکننده مدیریت ریسک نقدینگی) و بانک مرکزی (نهاد مقررات‌گذار و ناظر بر اجرای مدیریت ریسک نقدینگی) با محدودیت‌هایی مواجه است که منجر به عدم پیاده‌سازی ساختار مناسب مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی گردیده است.

این مقاله رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی تنظیم‌شده توسط بانک مرکزی را به عنوان تنها سند مقرراتی تنظیم‌شده در حیطه مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ارزیابی می‌کند. ارزیابی این رهنمود، شکاف‌ها و خلأهای موجود در حیطه مقرراتی را به نحو بارزی به تصویر می‌کشد. خلأهایی که علاوه بر آشکار ساختن نیاز به تنظیم سند مقرراتی جدیدی به عنوان رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی، دیگر

شکاف‌های موجود در حوزه مقررات‌گذاری این ریسک و اسناد مقرراتی مورد نیاز در این زمینه را نیز معین می‌نماید.

۳. ارزیابی رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی

در این مقاله هر یک از مواد رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی تنظیم‌شده توسط بانک مرکزی نقد و موشکافی خواهد شد و در هر ماده به کاستی‌ها و یا تضادهای موجود اشاره می‌شود. البته ارزیابی مواد این رهنمود، کلیه شکاف‌های موجود را پوشش نمی‌دهد و جهت تنظیم رهنمودی کامل‌تر و جامع‌تر ضروری است خلأهای دیگر موجود در این رهنمود، در مقایسه با رهنمودهایی که در عرصه بین‌المللی و پس از بحران مالی اخیر تنظیم شده‌اند، نیز تحت پوشش قرار گیرند.

نقد رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی بانک مرکزی، نه تنها در مقایسه با رهنمودهای بین‌المللی تنظیم‌شده توسط کمیته بال (۲۰۰۸)، کمیته ناظران بانکی اروپا (۲۰۰۸) و مؤسسه تأمین مالی بین‌المللی (۲۰۰۷) (رهنمودهایی که رویکرد جدید مدیریت ریسک نقدینگی در عرصه بین‌المللی را به تصویر می‌کشند) انجام می‌شود بلکه به مطالعات گسترده‌تر انجام‌شده در حوزه رهنمودهای داخلی کشورهای مختلف پیش و پس از بحران مالی اخیر نیز اتکا دارد. به دلیل گستردگی حوزه مطالعات فوق، از ذکر این مطالب در این مقاله صرف‌نظر می‌شود و در هر مورد با توصیف رویکردهای فوق، تصویر مناسبی از این رهنمودها ارائه خواهد شد.^۱

• ماده ۱

۱- به صورت کلی در رهنمودهای تنظیم‌شده در مدیریت ریسک نقدینگی، در نظر گرفتن بخشی تحت عنوان تعاریف، مصطلح نمی‌باشد چون رهنمود در سطح کارشناسان تنظیم می‌شود. از این رو توصیه می‌شود ماده ۱، تحت عنوان تعاریف، از این رهنمود حذف شود.

۱- برای مطالعه بیشتر به پروژه طراحی رهنمود جدید برای مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران، پژوهشکده پولی و بانکی رجوع شود.

۲- دامنه در نظر گرفته شده جهت شمول رهنمود در ماده (۱-۱)، بسیار فراتر از رویکرد کلی در نظر گرفته شده در رهنمودها و توصیه‌نامه‌های بین‌المللی و حتی در رهنمودهای تنظیم شده در سطح کشورهای مختلف می‌باشد. برای مثال بر پایه جدول ۱ که بر اساس رویکرد بین‌المللی تنظیم شده است، مشاهده می‌شود این رهنمودها بر بانک‌ها (تجاری و سرمایه‌گذاری) و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری متمرکزند که بنگاه‌های سرمایه‌گذاری نیز به نوعی دربرگیرنده بانک‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند. در حقیقت، جامعه هدف این رهنمودها بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است. این در حالی است که در این بند، مؤسسه اعتباری که رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی برای آن تعریف شده است، دربرگیرنده شرکت‌های لیزینگ و حتی سایر تشکلهای اعتباری می‌باشد که با مجوز و یا تحت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند. از آنجا که شرکت‌های لیزینگ از ساختار سازمانی و منابع اعتباری لازم جهت مدیریت ریسک نقدینگی در سطح مورد انتظار این رهنمود برخوردار نمی‌باشند، ضروری است جامعه هدف معقول‌تری برای رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی در نظر گرفته شود و برای دستیابی به مدیریت ریسک نقدینگی در دیگر مؤسسات تحت نظارت بانک مرکزی، رویکرد دیگری در نظر گرفته شود.

۳- توصیه می‌شود در ماده (۴-۱) به جای عبارت دارایی‌های نقدی، کلمه دارایی‌های نقد درج شود که عبارت مصطلح‌تری است.

جدول (۱) مؤسسات تحت پوشش رهنمودهای بین‌المللی در مدیریت ریسک نقدینگی

مؤسسات تحت پوشش	نهاد صادرکننده رهنمود
بانک‌های با اندازه متوسط و بزرگ که ساختار پیچیده‌ای دارند*	کمیته بال
مؤسسات اعتباری و بنگاه‌های سرمایه‌گذاری	کمیته ناظران بانکی اروپا
بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری	مؤسسه تأمین مالی بین‌المللی

* البته در رهنمود کمیته بال به این مسأله اشاره شده که رهنمود از قابلیت کاربرد و به‌کارگیری در کلیه بانک‌ها برخوردار است.

• ماده ۲

۱- عنوان ماده، نادرست انتخاب شده است. در حقیقت هدف اصلی از تنظیم رهنمود

مدیریت ریسک نقدینگی، مدیریت ریسک نقدینگی است و نه مدیریت نقدینگی. از این رو ضروری است عنوان این ماده به اهداف مدیریت ریسک نقدینگی تغییر نماید. همچنین با توجه به تعریف نقدینگی ارائه شده در ماده (۲-۱) ضروری است تغییراتی در مواد (۲-۲) و (۲-۴) صورت پذیرد و به جای عبارت نقدینگی، واژه دارایی‌های نقد منظور شود.

برای مثال در ماده (۲-۲)، نگهداری سطح مناسبی از دارایی‌های نقد که مشتمل بر وجه نقد و سایر دارایی‌های قابل تبدیل به وجه نقد می‌باشد، مدنظر رهنمود است و نه نگهداری سطح مناسبی از توانایی مؤسسه اعتباری در تأمین منابع نقد. در ماده (۲-۴) نیز هدف، تأمین سطح مناسبی از دارایی‌های نقد در تطابق با حدود تنظیم شده در مقررات داخلی می‌باشد و نه تأمین سطح مناسبی از توانایی مؤسسه اعتباری در تأمین منابع نقد در تطابق با حدود تنظیم شده در مقررات داخلی^۱.

۲- به دلیل ضرورت توجه به مدیریت ریسک نقدشوندگی دارایی‌ها در مدیریت ریسک نقدینگی، مناسب‌تر است عبارتی جهت پوشش این مسأله در این ماده اضافه شود مانند: «اطمینان از مدیریت مناسب ریسک نقدشوندگی دارایی‌های نقد در دسترس». از آنجا که این عبارت در مقایسه با عبارت مندرج در ماده (۲-۳) به نحو بهتر و جامع‌تری مفهوم مدیریت ریسک نقدشوندگی دارایی‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد، بهتر است این عبارت جایگزین عبارت مندرج در ماده (۲-۳) شود.

• ماده ۳

۱- فرایند کلی مدیریت ریسک نقدینگی مشتمل بر سه مرحله زیر می‌باشد:

- حاکمیت شرکتی مدیریت ریسک نقدینگی؛
- شناسایی، اندازه‌گیری، پایش و کنترل ریسک نقدینگی؛
- افشا و ارتباط با ناظران.

حاکمیت شرکتی، خود دربرگیرنده تدوین استراتژی، ایجاد ساختار سازمانی و سیستم اطلاعاتی مدیریت ریسک نقدینگی (بندهای الف، ب، هـ از ماده ۱-۳) و سیستم کنترل داخلی (ماده ۳-۵) می‌باشد. شناسایی، اندازه‌گیری، پایش و کنترل ریسک نقدینگی نیز

۱- بر اساس تعاریف ارائه شده از نقدینگی و دارایی‌های نقد در ماده ۱ رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی.

علاوه بر بند د از ماده (۳-۱) این ماده که بر ثبات و تنوع بخشی به منابع تأمین وجوه می پردازد؛ مواد (۳-۲) تا (۳-۴) از این رهنمود، مشتمل بر اتخاذ رویه های اندازه گیری، مراقبت و محدود نمودن ریسک نقدینگی، پیش بینی سناریوهای مختلف برای مدیریت نقدینگی، و تدوین برنامه اقتضایی را نیز در بر می گیرد. با این حال، افشا و ارتباط با ناظران، در فرایند مدیریت ریسک نقدینگی ترسیم شده در این رهنمود مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو مشاهده می شود طبقه بندی در نظر گرفته شده از اهداف مدیریت ریسک نقدینگی در این رهنمود نه تنها سلسله مراتب لازم جهت به تصویر کشیدن کلیه فرایندهای مدیریت ریسک نقدینگی را ترسیم نمی نماید،^۱ بلکه در زمینه پوشش تمامی اجزای لازم، کاستی هایی نیز دارد.^۲ علاوه بر این، آشفتگی های موجود در این طبقه بندی منجر به اخلاف در درک مناسب فرایند منطقی مدیریت ریسک نقدینگی می شود. برای مثال برخلاف دیگر اجزای حاکمیت شرکتی که در این رهنمود در ماده (۳-۱) عنوان شده اند، ضرورت استقرار سیستم مناسب کنترل داخلی در بندی جداگانه و پس از کلیه اجزای مربوط به مرحله شناسایی، اندازه گیری، پایش و کنترل ریسک نقدینگی مطرح شده است که نه تنها نمایانگر عدم توجه به لحاظ آن در مباحث مربوط به حاکمیت شرکتی است، بلکه منجر به پراکنده شدن سلسله مراتب فرایند کلی مدیریت ریسک نقدینگی نیز شده است. از این رو توصیه می شود جهت انسجام مطالب، فرایند سه مرحله ای فوق در طبقه بندی مطالب و عنوان مراحل و فرایندهای کلی مدیریت ریسک نقدینگی دنبال شود.

- ۱- برای مثال ثبات و تنوع بخشی به منابع تأمین وجوه باید جزء مرحله دوم فرایند مدیریت ریسک نقدینگی که مشتمل بر شناسایی، اندازه گیری، پایش و کنترل ریسک نقدینگی است عنوان شود، نه در مطالبی که در ماده (۳-۱) طبقه بندی شده اند و بیشتر مقوله حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده اند.
- ۲- در این زمینه می توان به عدم توجه به ضرورت لحاظ افشا و ارتباط با ناظران به عنوان یکی از اجزای کلیدی فرایند مدیریت ریسک نقدینگی؛ و عدم توجه به ضرورت شناسایی ریسک نقدینگی در ماده (۳-۲) اشاره نمود، بندی که تا حدودی مرحله دوم از فرایند مدیریت ریسک نقدینگی را تحت پوشش قرار داده است. در حقیقت عدم توجه به ضرورت شناسایی انواع مختلف ریسک نقدینگی، بخصوص ریسک نقدینگی منتج از ابزارهای جدید یا فعالیت های جدید انجام شده توسط بانک از جمله مباحثی است که پس از بحران اخیر، اهمیت خاصی یافته اما این رهنمود به علت تنظیم قبل از بحران مالی، به آن نپرداخته است.

- ۲- بند د از ماده (۱۳-۱) به ثبات و تنوع بخشی به منابع تأمین وجوه اشاره نموده در حالی که این عنوان در مقایسه با عنوان ماده ۷ که به این مقوله می‌پردازد (مدیریت دسترسی به بازار) از جامعیت لازم برخوردار نمی‌باشد. به بیان دقیق‌تر، ثبات و تنوع بخشی به منابع تأمین مالی، زیرمجموعه مدیریت دسترسی به بازار است؛ زیرا برخورداری از این منابع بالقوه باثبات و متنوع، الزاماً مبین دسترسی لازم به بازار نمی‌باشد. در حقیقت باید از قابلیت تبدیل آنها به منابع بالفعل اطمینان حاصل نمود. از این رو توصیه می‌شود عنوان این بند در تطابق با ماده ۷ تغییر یابد.
- ۳- توصیه می‌شود عنوان این ماده نیز در تطابق با خلأهای موجود جهت پوشش بند دوم از فرایند کلی مدیریت ریسک نقدینگی تغییر یابد و به مقوله شناسایی ریسک نقدینگی نیز اشاره شود. علاوه بر این مناسب‌تر است به جای واژه‌های «مراقبت» و «محدودنمودن»، از واژه‌های مصطلح‌تر «پایش» و «کنترل» استفاده شود و این مسأله در کل رهنمود ارائه‌شده اعمال گردد.
- ۴- در بند ب از ماده (۳-۲) به تعیین حدود ریسک نقدینگی ارزش‌های عمده اشاره شده است، این در حالی است که تعیین حدود در مقوله کنترل ریسک نقدینگی طبقه‌بندی می‌شود که در این رهنمود تحت عنوان «محدودنمودن ریسک نقدینگی» مطرح شده است. از این رو تنها به یکی از مقوله‌های کنترل ریسک نقدینگی در این بند پرداخته شده است.
- ۵- در ماده (۳-۳) به پیش‌بینی سناریوهای مختلف برای مدیریت نقدینگی اشاره شده است، در حالی که هدف از ماده (۳-۳) و ماده ۱۱ که برای پوشش این بند طراحی شده، طراحی آزمون استرس در مدیریت ریسک نقدینگی است. به بیان ساده می‌توان مراحل مختلف آزمون استرس را مشتمل بر شناسایی عوامل محرک و شکل‌دهنده استرس، طراحی سناریو بر پایه این عوامل، مدل‌سازی آزمون استرس و نحوه به‌کارگیری و استفاده از نتایج آزمون استرس در نظر گرفت. از این رو به دلیل عدم هماهنگی و عدم کفایت عنوان در نظر گرفته‌شده با هدف از این بند، ضروری است عنوان آن نه تنها در این بند، بلکه در ماده ۱۱ نیز به «تدوین آزمون استرس» تغییر یابد.

در حقیقت به دلیل عدم توجه به مسأله فوق در بسیاری از موارد در این رهنمود به جای عبارت آزمون استرس از عبارت سناریو استفاده شده است که این مسأله، مشکلات زیادی را در زمینه اجرای رهنمود برای کاربران به دنبال خواهد داشت.

• ماده ۴

- ۱- در این ماده استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی به عنوان مجموعه‌ای از اصول و روش‌های اساسی مدیریت ریسک نقدینگی تعریف شده است، این در حالی است که استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی مقوله‌ای فراتر از اصول و روش‌هاست. در حقیقت ابتدا باید راهبرد مدیریت ریسک نقدینگی تنظیم شود و سپس بر پایه آن، اصول و روش‌های مدیریت این ریسک طراحی گردد. راهبرد مدیریت ریسک نقدینگی در واقع جهت و نگاه کلی مدیریت نسبت به ریسک نقدینگی، سطح ریسک‌پذیری و نحوه مدیریت آن را دربردارد. همچنین ضروری است در این ماده به نحوه ارتباط بین راهبرد مدیریت ریسک نقدینگی و راهبرد کلی مدیریت ریسک در سطح مؤسسه و سازوکار ابلاغ و عملیاتی‌شدن آن در سطوح پایین‌تر و الزام مستندسازی آن اشاره شود.
- ۲- در مقوله راهبرد، ضروری است ریسک‌های مورد توجه در مدیریت ریسک نقدینگی نیز مطرح شوند تا تصور روشنی از فرایند مدیریت ریسک نقدینگی در بانک به تصویر کشیده شود و جهت‌دهی مناسبی به آن داده شود.
- ۳- در تبصره در نظر گرفته‌شده برای این ماده، به ضرورت اعمال تجدیدنظر راهبرد ریسک نقدینگی در بازه زمانی خاصی اشاره نشده است. این در حالی است که راهبردهای ریسک نقدینگی باید حداقل سالانه بازنگری شوند تا بر این اساس، سیاست‌ها و فرایندهای لازم جهت مدیریت ریسک نقدینگی در مؤسسه طراحی شوند و در صورت عدم هماهنگی این تغییرات سالانه با تغییرات شدیدی که ممکن است در اقتصاد حاصل شود، مؤسسه به واسطه این تبصره باید ملزم به اعمال تجدیدنظر در استراتژی خود در فواصل کمتر از یک سال نیز بشود.

• ماده ۵

۱- معمولاً در رهنمودهای مدیریت ریسک نقدینگی یک ساختار سازمانی برای مدیریت ریسک نقدینگی معرفی نمی‌شود، بلکه ویژگی‌های کلی حاکمیت شرکتی مورد نیاز جهت مدیریت مناسب ریسک نقدینگی به تصویر کشیده می‌شود. از این رو معرفی کمیته‌ها و واحدهای مختلف مدیریت ریسک نقدینگی مقوله‌ای است که صرفاً باید در مقررات داخلی بانک‌ها در طراحی ساختار مدیریت این ریسک عنوان شود. علاوه بر این، ساختار طراحی شده با مؤسسات تحت شمول این رهنمود تطابق خاصی ندارد. برای مثال، طراحی کمیته فرعی ریسک نقدینگی در یک شرکت لیزینگ و حتی طراحی دیگر واحدهای مدیریت ریسک در شرکت لیزینگ از نمونه‌های بارز این عدم هماهنگی می‌باشند.

۲- در ساختار سازمانی معرفی شده در این رهنمود حتی سعی نشده در تطابق با ساختار واقعی مورد نیاز در مدیریت ریسک نقدینگی، به وظایف اجزای اصلی این ساختار مشتمل بر هیأت مدیره و مدیریت ارشد، پرداخته شود. در حقیقت در این رهنمود صرفاً در چند مورد، و آن نیز به صورت غیرمستقیم به وظایف هیأت مدیره اشاره شده^۱ و وظایف مدیریت ارشد کاملاً نادیده انگاشته شده است. این در حالی است که پس از بحران مالی اخیر، با پررنگ شدن شکاف‌های موجود در وظایف ترسیم شده از هیأت مدیره و مدیریت ارشد، شرح وظایف مبسوطی برای این دو عنصر در رهنمودهای جدید در نظر گرفته شده است.

حتی در ساختار طراحی شده، نحوه ارتباط کمیته عالی طراحی شده با هیأت مدیره و مدیریت ارشد نادیده انگاشته شده است. به بیان دقیق‌تر، ساختار طراحی شده، ساختار کاملی نیست زیرا به چگونگی ارتباط بالاترین عضو این ساختار که کمیته‌های مدیریت

۱- برای مثال در بند ج از ماده (۵-۱) به حصول اطمینان از رعایت حدود مصوب هیأت مدیره اشاره شده است در حالی که در این رهنمود به هیأت مدیره و وظایف آن که یکی از آنها بر این اساس تصویب حدود می‌باشد، اشاره‌ای نشده است.

- ریسک است با هیأت مدیره و وظایف این کمیته در قبال هیأت مدیره اشاره‌ای نشده است.
- ۳- بند الف از ماده (۵-۱) مسئولیت تدوین استراتژی‌ها و رویه‌های کلی مدیریت انواع ریسک را بر عهده کمیته فرعی ریسک نقدینگی نهاده است. این در حالی است که مفهوم سیاست‌ها با توجه به آنچه که در ماده ۴ از استراتژی تعریف شده است، مشخص نمی‌باشد. در ماده ۴، استراتژی در قالب اصول و روش‌های مدیریت ریسک نقدینگی تعریف شده است. در صورت در نظر گرفتن روش‌ها و رویه‌ها به عنوان دو ترجمه متفاوت از عبارت Process در این رهنمود، مشاهده می‌شود که قبل از این ماده هیچ نوع جایگاهی برای سیاست مدیریت ریسک نقدینگی در نظر گرفته نشده است. در حقیقت در مدیریت ریسک نقدینگی ابتدا باید استراتژی مشخص شود و سپس بر اساس آن، سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت ریسک نقدینگی شکل بگیرند. از این رو ضروری است در تطابق با این بند در ماده ۴ به استخراج سیاست‌ها و رویه‌های مدیریت ریسک نقدینگی بر اساس استراتژی ترسیم‌شده اشاره شود.
- ۴- در بند ج از ماده (۵-۱) معرفی مقام مسئول تشخیص و مدیریت بحران به کمیته عالی مدیریت ریسک به عنوان بخشی از وظایف کمیته فرعی ریسک نقدینگی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که مقام مسئول این امر باید در برنامه تأمین مالی اقتضایی مشخص شود و فرایند جداگانه‌ای برای انتخاب و انتصاب وی مورد نیاز نمی‌باشد.
- ۵- در چهارمین مورد از وظایف در نظر گرفته‌شده برای کمیته فرعی ریسک نقدینگی به «نظارت بر وضعیت و ریسک نقدینگی در کلیه سطوح مؤسسه اعتباری و حصول اطمینان از رعایت حدود مصوب هیأت مدیره» اشاره شده است. مناسب‌تر است به جای عبارت نظارت بر وضعیت و ریسک نقدینگی، به نظارت بر کلیه فرایندهای مدیریت ریسک نقدینگی مشتمل بر شناسایی، اندازه‌گیری، پایش و کنترل، اشاره شود. همچنین ذکر حصول اطمینان از رعایت حدود مصوب هیأت مدیره در این بند چندان مناسب نمی‌باشد. زیرا رعایت حدود، یکی از ابزارهای کنترلی ریسک نقدینگی است. بهتر است به جای عبارت فوق، «حصول اطمینان از پایش و کنترل ریسک نقدینگی» درج

شود. در حقیقت ذکر صرفاً یکی از وظایف کنترلی در بندی که مجموعه گسترده‌تری را هدف قرار داده است، از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشد.

۶- خطوط گزارش‌دهی ترسیم‌شده در این رهنمود از کفایت لازم برخوردار نیست. به‌عنوان مثال، صرفاً خط ارتباطی بین واحد مدیریت ریسک نقدینگی، واحد اجرایی مدیریت ریسک، کمیته فرعی ریسک نقدینگی و در پایان، کمیته عالی مدیریت ریسک ترسیم شده است. به بیان دقیق‌تر الزام گزارش‌دهی به واحد حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و حتی مدیریت ارشد و هیأت مدیره مورد توجه قرار نگرفته است.

در تنظیم موارد لازم جهت گزارش‌دهی نیز صرفاً به موارد محدودی از جمله ارزیابی مناسب بودن مدل‌های به کار گرفته‌شده برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی، بررسی تطابق منابع واقعی در معرض ریسک نقدینگی با حدود مصوب منابع در معرض ریسک نقدینگی و تهیه منظم گزارش‌های سنجش ریسک نقدینگی اشاره شده است که در پایش نحوه مدیریت ریسک نقدینگی از طریق گزارش‌دهی، از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشد.

همچنین در خط گزارش‌دهی ترسیم‌شده، هر واحد پایین‌دستی صرفاً به واحد بالادستی گزارش می‌دهد، واحدهایی که با عنوان مدیریت ریسک نقدینگی طراحی شده‌اند؛ در حالی که حتی واحد حسابرسی داخلی و یا واحد اجرایی مدیریت ریسک، می‌توانند در شرایط خاص، به صورت مستقیم، به کمیته‌های عالی یا هیأت مدیره گزارش دهند. در حقیقت بهتر است صرفاً ویژگی خطوط گزارش‌دهی و موارد لازم جهت گزارش‌دهی و تناوب ارائه گزارش در قالب رهنمود به بانک‌ها ابلاغ شوند و نحوه ترسیم این خطوط به خود بانک‌ها محول گردد.

۷- در بند ب از ماده (۲-۵)، ارزیابی مناسب بودن مدل‌های به کار گرفته‌شده برای اندازه‌گیری ریسک نقدینگی، به واحد مدیریت ریسک نقدینگی محول شده است. این در حالی است که وظیفه طراحی مدل که در گامی ابتدایی‌تر نسبت به ارزیابی مناسب بودن مدل است، مورد اشاره قرار نگرفته و به واحدی محول نشده است.

• ماده ۶

۱- در ماده ۶ به مقررات داخلی و موارد تحت پوشش آن اشاره شده است که در نهایت، این مجموعه مقررات داخلی باید به تصویب هیأت مدیره برسد. در این ماده به ضرورت معین نمودن واحد تنظیم کننده مقررات داخلی و حداقل تناوب زمانی لازم برای بازبینی دوره‌ای این مقررات و تصویب مجدد آنها اشاره‌ای نشده است.^۱

۲- مجموعه موارد مطرح شده در مقررات داخلی، نیاز بانک به یک رویکرد مناسب در مدیریت ریسک نقدینگی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. به‌عنوان مثال در اندازه‌گیری ریسک نقدینگی در ماده (۴-۶) به رویه‌های اندازه‌گیری و مراقبت ریسک نقدینگی برای هر یک از ارزش‌های عمده اشاره شده است، در حالی که بهتر بود به جای تأکید صرف بر یک بعد از خطرپذیری ریسک نقدینگی که منتج از ارزش‌های خارجی می‌باشد، به صورت کلی به کلیه خطرپذیری‌های منتج از ریسک نقدینگی اشاره می‌شد و به‌عنوان مثال به ارزش‌های خارجی و مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم‌های پرداخت اشاره می‌نمود. در حقیقت پس از بحران، مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم‌های پرداخت که از دوره زمانی کوتاهی برای تسویه برخوردارند چنان پراهمیت شده‌اند که در کلیه رهنمودهای جدید، بخش خاصی به این مقوله اختصاص داده شده است. این در حالی است که در این رهنمود از این مسأله غفلت شده است و صرفاً بر ریسک نقدینگی منتج از ارزش‌های خارجی تأکید می‌شود.

۳- در ادامه ماده فوق، در ماده (۵-۶) که مجدداً بحث اندازه‌گیری ریسک نقدینگی را دنبال می‌نماید، به تعریف شاخص‌های عمده برای ریسک نقدینگی، نحوه مراقبت مستمر از مؤثر بودن آنها و تعیین حدود برای ارزش شاخص‌های مذکور اشاره شده است. به نظر می‌رسد در تدوین این ماده، تمایز لازم بین نسبت‌های

۱- هر چند در ماده (۱۰-۶) به الزاماتی برای بازنگری منظم مقررات داخلی و استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی اشاره شده است، اما حداقل دوره زمانی لازم جهت بازنگری در این مقررات که از اجزای اصلی تشکیل دهنده مدیریت ریسک نقدینگی می‌باشد، باید به صراحت در رهنمود ذکر شود و اتخاذ تدابیری فراتر از این دوره بر عهده خود بانک نهاده شود.

مورد استفاده جهت اندازه‌گیری ریسک نقدینگی و شاخص‌های هشداردهنده زود هنگام که در شناسایی شرایط بحران در برنامه تأمین مالی اقتضایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، برقرار نشده است. در حقیقت در مدیریت ریسک نقدینگی پس از معرفی نسبت‌هایی که وضعیت ریسک نقدینگی بانک را به تصویر می‌کشند، حدودی برای این نسبت‌ها تنظیم می‌شود که وضعیت نسبت حاصله در مقایسه با حدود تنظیم‌شده، موقعیت ریسک نقدینگی بانک را نمایش خواهد داد.

در طرف مقابل، شاخص‌های هشداردهنده زود هنگام صرفاً موقعیت ریسک نقدینگی که بانک در آینده با آن مواجه خواهد شد را به تصویر می‌کشند و برای آنها حدود خاصی توسط بانک در نظر گرفته نمی‌شود. از این‌رو ضروری است در این ماده و دیگر مواد مندرج در این رهنمود به جای «شاخص‌های عمده برای ریسک نقدینگی» که ذهن را به سمت برنامه تأمین مالی اقتضایی منحرف می‌سازد، به «نسبت‌های ریسک نقدینگی» اشاره شود. همچنین در این ماده، به نحوه مراقبت مستمر از مؤثر بودن این شاخص‌ها اشاره شده است، در حالی که باید به مؤثر بودن آنها در ارتباط با نمایش وضعیت و موقعیت ریسک نقدینگی مؤسسه با توجه به تغییر در شرایط اقتصادی و موقعیت ریسک نقدینگی بالقوه بانک اشاره شود.

۴- از موارد دیگری که در این مقررات مورد توجه قرار نگرفته است، بحث مدل‌سازی ریسک نقدینگی می‌باشد، در حالی که به نسبت‌های نقدینگی و الزامات مربوط به آنها که در مقایسه با مدل‌سازی ریسک نقدینگی از درجه اهمیت کمتری برخوردارند، اشاره می‌شود. همچنین با وجودی که در این مقررات به بحث آزمون استرس و الزاماتی در حیطه آن اشاره می‌شود، اما به مقوله برنامه تأمین مالی اقتضایی که همانند طراحی آزمون استرس، در کنترل ریسک نقدینگی از نقشی کلیدی برخوردار است، اشاره‌ای نمی‌شود. مقوله افشا و نحوه همکاری با ناظران خارجی نیز از دیگر مواردی است که در بحث مقررات داخلی مورد توجه قرار نگرفته است.

• ماده ۷

۱- در این ماده صرفاً برخی از ابعاد مدیریت دسترسی به بازار یا مدیریت منابع مورد توجه قرار گرفته و در ساختار طراحی شده، مسئولیت مدیریت منابع بر عهده واحدی نهاده نشده است. هر چند در رهنمودهای طراحی شده عموماً واحدهای ساختار سازمانی معرفی نمی‌شوند ولی حداقل وظایفی در ارتباط با هر یک از اجزای مدیریت ریسک نقدینگی برای مدیریت ارشد و هیأت مدیره در نظر گرفته می‌شود که در این رهنمود به این مقوله پرداخته نشده است.

۲- مقوله مدیریت دسترسی به بازار به نحوه شایسته‌ای مورد توجه قرار نگرفته است. مدیریت دسترسی به بازار یا مدیریت منابع از دو بعد طرف دارایی و طرف بدهی ترازنامه برخوردار است. نه تنها منابع مالی مندرج در طرف بدهی‌های ترازنامه باید متنوع شوند (همان‌طور که در ماده (۷-۱) مورد توجه قرار گرفته است) بلکه دارایی‌های مندرج در ترازنامه نیز باید از تنوع لازم برخوردار باشند (مسئله مورد توجه ماده (۷-۲)). با این حال بحث تنوع‌بخشی طرف دارایی ترازنامه به مقدار لازم مورد توجه قرار نگرفته است. در حقیقت دارایی‌های بانک باید از دو بعد مورد توجه قرار گیرند: قابلیت فروش و قابلیت وثیقه‌سپاری. این در حالی است که در ماده (۷-۲) صرفاً قابلیت فروش دارایی‌های بانک جهت تأمین مالی مورد توجه قرار گرفته است.

به بیان دقیق‌تر، مدیریت وثیقه و استفاده از قابلیت وثیقه‌سپاری بسیاری از دارایی‌ها جهت تأمین نیازهای مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت نادیده انگاشته شده‌اند. این در حالی است که در رهنمودهای جدیدی که پس از بحران مالی اخیر در عرصه بین‌المللی تنظیم شده‌اند، مقوله مدیریت وثیقه و بخصوص مدیریت وثیقه جهت تأمین نیازهای مالی در مدیریت ریسک نقدینگی در طول روز، اهمیت خاصی یافته‌اند.

۳- در مدیریت منابع مالی در حیطه دارایی‌ها، بانک‌ها باید به در نظر گرفتن سپر نقدینگی توجه خاصی نمایند. در سپر نقدینگی، مجموعه‌ای از دارایی‌ها با درجه نقدشوندگی بالا نگهداری خواهند شد که می‌توانند هر دو هدف تأمین مالی از طریق فروش و وثیقه‌سپاری را مورد توجه قرار دهند، هر چند در مقوله وثیقه‌سپاری شاید بتوان از دارایی‌هایی با درجه نقدشوندگی پایین‌تر نیز استفاده

- نمود. در هر صورت ملزم نمودن بانک‌ها به نگهداری سپر نقدینگی و در نظر گرفتن شرایط خاص برای دارایی‌های موجود در این پرتفوی^۱ از تمهیدات مورد توجه در اکثر رهنمودهای جدید تنظیم شده پس از بحران اخیر است که نقش مؤثری در مدیریت منابع مالی ایفا می‌نماید، اما در این رهنمود نادیده انگاشته شده است.
- ۴- از مباحثی که در مقوله مدیریت منابع مالی در حیطه دارایی‌ها اهمیت خاصی دارد، ضرورت قیمت‌گذاری دارایی‌ها و شناسایی بازارهای مالی جهت بررسی امکان نقد نمودن یا حفظ ارزش وثیقه‌سپاری دارایی‌هاست که در ماده (۲-۷) به مقدار کافی به آن پرداخته نشده است.
- ۵- هر چند تنوع‌بخشی به منابع تأمین وجوه از جمله اهداف اصلی مدیریت منابع می‌باشد و ماده ۷ نیز در این راستا تنظیم شده، اما این هدف، به مقدار کافی پوشش داده نشده است. در حقیقت در این ماده باید به ضرورت اعمال مدیریت ریسک تمرکز در مقوله ریسک نقدینگی توجه خاصی می‌شد و الزاماتی را در دو حیطه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک طراحی می‌نمود.

• ماده ۸

- ۱- در این ماده به ضرورت تشکیل پایگاه اطلاعاتی منسجم و منظم در رابطه با ریسک نقدینگی، که یکی از اجزای اصلی مدیریت ریسک نقدینگی می‌باشد، اشاره‌ای نشده است در حالی که سیستم اطلاعاتی بدون تشکیل پایگاه اطلاعاتی قادر به انجام وظایف خود نخواهد بود، پایگاهی که از فناوری‌های جدید برخوردار باشد و اطلاعات صحیح، دقیق و بهنگامی را در اختیار قرار دهد.
- ۲- در سیستم اطلاعاتی طراحی شده در این رهنمود، خطوط ارتباطی لازم بین اجزای ساختار حاکمیت شرکتی به‌ویژه هیأت مدیره و مدیریت ارشد در مقوله گزارش‌دهی مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین ملزم نمودن سیستم اطلاعاتی به ارائه اطلاعات خاص به مراجع خاص و یا برخورداری از توانایی لازم جهت ارائه اطلاعات

۱- به‌عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ضرورت انجام آزمون‌های استرس مختلف برای اقسام مندرج در سپر نقدینگی و یا معرفی دارایی خاص واجد شرایط، اطمینان از شرایط حقوقی و عملیاتی لازم جهت فروش یا وثیقه‌سپاری آنها.

در شرایط اضطرار با تناوب زمانی کوتاه‌تر، از دیگر موارد نادیده انگاشته شده در این رهنمود می‌باشد.

۳- در ماده (۸-۱)، سیستم اطلاعاتی ملزم به ارائه اطلاعات به صورت روزانه شده است این در حالی است که جهت مدیریت مناسب ریسک نقدینگی در سیستم‌های پرداخت، نیاز به یک سیستم اطلاعاتی است که از توانایی ارائه اطلاعات حتی در طول روز برخوردار باشد. به بیان دقیق‌تر، سیستم اطلاعاتی مورد نظر این رهنمود، توانایی لازم جهت پشتیبانی اطلاعاتی مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم پرداخت را ندارد.

۴- در ماده (۸-۵)، ارائه اطلاعات جهت ارزیابی روند نقدینگی در سطح کل مؤسسه اعتباری از وظایف مورد انتظار سیستم اطلاعاتی برشمرده شده است. در صورتی که مدیریت ریسک نقدینگی در یک گروه مادر بانکی به صورت متمرکز انجام شود، ضروری است سیستم اطلاعاتی علاوه بر ارائه اطلاعات مربوط به روند نقدینگی در سطح کل مؤسسه اعتباری، اطلاعات مربوط به روند موقعیت نقدینگی در سطح کل گروه را نیز در اختیار قرار دهد. این در حالی است که عبارت مندرج در ماده (۸-۵)، این مسأله را تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

۵- در ماده (۸-۶)، سیستم اطلاعاتی موظف به ارائه اطلاعاتی در خصوص ترکیب بدهی‌ها و به‌طور کلی در مورد سپرده‌گذاران عمده گردیده است. این در حالی است که در مدیریت منابع مالی، نیاز به اطلاعات جامع و کاملی بخصوص در حیطة موقعیت و ترکیب دارایی‌ها، ارزش‌گذاری بازاری و مقدار قابلیت نقدشوندگی آنها می‌باشد.

• ماده ۹

۱- عنوان در نظر گرفته‌شده برای این ماده از کفایت لازم برخوردار نمی‌باشد. در حقیقت مراقبت خالص جریان‌های نقدی، مفهوم خاصی را در بحث مدیریت ریسک نقدینگی از بعد اندازه‌گیری دنبال نمی‌کند. در واقع اندازه‌گیری ریسک نقدینگی مقوله‌ای جدا از پایش یا مراقبت ریسک نقدینگی است که نمی‌تواند صرفاً با ذکر

- عبارت «مراقبت روزانه از خالص جریان‌های نقدی حداقل برای پنج روز کاری آتی و دوره‌های زمانی طولانی‌تر» مندرج در ماده (۹-۵)، پوشش داده شود.
- به بیان دقیق‌تر، پایش و کنترل ریسک نقدینگی توسط مجموعه گسترده‌ای از اقدامات پوشش داده می‌شود که اغلب به صراحت به تنظیم حدود و فرایند گزارش‌دهی در این مقوله اشاره می‌شود و به صورت ضمنی استفاده از آزمون‌های استرس، تنظیم و مدیریت مؤثر برنامه تأمین مالی اقتضایی، مدیریت ریسک تمرکز، مدیریت سپر نقدینگی و ... فرایند پایش و کنترل مؤثر ریسک نقدینگی را تحت پوشش قرار خواهند داد.
- از این رو توصیه می‌شود در این ماده به جای عنوان «اندازه‌گیری و مراقبت خالص جریان‌های نقدی»، عبارت شناسایی و اندازه‌گیری ریسک نقدینگی درج شود. در حقیقت شناسایی ریسک نقدینگی که قبل از اندازه‌گیری این ریسک باید اعمال شود، در این رهنمود مورد توجه قرار نگرفته است و بدون شناسایی، مقوله اندازه‌گیری از کفایت لازم برخوردار نخواهد بود.
- ۲- در ماده (۹-۱)، جمع‌آوری کلیه اطلاعات کمی ضروری برای مدیریت ریسک نقدینگی به‌عنوان یکی از رویه‌های اندازه‌گیری و مراقبت خالص جریان‌های نقدی در نظر گرفته شده است. هر چند این مسأله در اندازه‌گیری ریسک نقدینگی نقشی کلیدی ایفا می‌نماید، اما ضروری است مقوله جمع‌آوری کلیه اطلاعات لازم در بحث سیستم اطلاعاتی مطرح شود، نه در بحث اندازه‌گیری ریسک نقدینگی.
- ۳- در ماده (۹-۵)، مراقبت روزانه از خالص جریان‌های نقدی، حداقل برای پنج روز کاری آتی و دوره‌های زمانی طولانی‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم پرداخت، به پایش خالص جریان‌های نقدی در طول روز نیاز می‌باشد؛ مسأله‌ای که در این رهنمود کاملاً نادیده انگاشته شده است.
- ۴- در ماده (۹-۶)، به حدود تنظیم شده برای شاخص ریسک نقدینگی اشاره شده است. هر چند در بند ج از ماده (۵-۱) تصویب کلیه حدود بر عهده هیأت مدیره نهاده شده است، اما در این رهنمود تصویر واضحی از نحوه تنظیم و پیشنهاد انواع مختلف حدود تنظیم شده در مدیریت ریسک نقدینگی و مقام مسئول در تنظیم و پیشنهاد این حدود ارائه نشده است. صرف معرفی مقام تصویب‌کننده کلیه حدود،

از کفایت لازم برخوردار نمی باشد. همچنین این حدود باید مرتب مورد بازبینی قرار گیرند و در صورت لزوم تعدیل شوند که در این رهنمود این مسأله مورد توجه قرار نگرفته است.

• ماده ۱۰

۱- مطالب درج شده در این ماده از کفایت لازم جهت طبقه بندی شدن در ماده جداگانه، برخوردار نمی باشند. در حقیقت، مدیریت ریسک نقدینگی ارزشهای عمده نیز بدون شناسایی و اندازه گیری آنها امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین بهتر است در ماده ۹ که به مقوله اندازه گیری ریسک نقدینگی می پردازد، به ضرورت اندازه گیری ریسک نقدینگی منتج از ارزشهای عمده نیز اشاره شود. به بیان دقیق تر، در ماده ۱۰ صرفاً به ضرورت تنظیم حدودی در مدیریت ریسک نقدینگی و مدیریت دسترسی به بازار ارز در مدیریت ریسک نقدینگی ارزشهای عمده اشاره شده که این مباحث صرفاً تا حدودی مقوله کنترل ریسک نقدینگی را تحت پوشش قرار داده و مباحث شناسایی و اندازه گیری این ریسک نادیده انگاشته شده اند.

۲- دو ماده (۱۰-۱) و (۱۰-۲) صرفاً به تنظیم حدودی در مدیریت ریسک نقدینگی ارزشهای عمده پرداخته اند و از این رو صرفاً مقوله کنترل و پایش این ریسک را دنبال می کنند. بنابراین بهتر است مطالب این دو ماده در بخشی جداگانه ذکر شوند، بخشی که صرفاً به مقوله کنترل ریسک نقدینگی خواهد پرداخت. مطالب ماده (۱۰-۳) نیز صرفاً مدیریت دسترسی به بازار را تحت پوشش قرار می دهند که می توانند در زیربخشی جداگانه ذکر شوند، بخشی که صرفاً به مقوله مدیریت دسترسی به بازار خواهد پرداخت و از زیرمجموعه های مقوله کنترل ریسک نقدینگی خواهد بود.

۳- در این ماده به ضرورت تنظیم حدودی جهت مدیریت ریسک نقدینگی ارزشهای عمده اشاره شده و این در حالی است که مقام تنظیم و پیشنهادکننده این حدود معرفی نشده است. همچنین به ضرورت بازبینی مرتب و دوره ای این حدود و یا لزوم تعدیل آنها در شرایط خاص نیز اشاره ای نشده است.

۴- در ماده (۳-۱۰) به جای عبارت «حدود» از واژه «محدودیت‌ها» استفاده شده که ضروری است رویکرد واحدی در این رهنمود دنبال شود و از واژه «حدود» استفاده شود که در مقایسه با واژه «محدودیت‌ها»، ترجمه صحیح‌تری از عبارت «Limits» می‌باشد.

• ماده ۱۱

۱- در این ماده به ضرورت تنظیم دو سناریوی اصلی و جایگزین در مدیریت ریسک نقدینگی اشاره شده و این در حالی است که در کلیه رهنمودهای مطالعه‌شده در بحث آزمون استرس صرفاً طراحی سناریوهایی مطرح می‌باشد که شرایط بحرانی و تنش را برای مؤسسه به تصویر می‌کشند. به بیان دقیق‌تر، سناریوی اصلی (تداوم فعالیت) بحثی مستقل از فرایند عادی مدیریت ریسک نقدینگی به صورت روزانه را دنبال نمی‌کند و این مقوله توسط فرایندهای طراحی‌شده در زمینه شناسایی، اندازه‌گیری، کنترل و پایش ریسک نقدینگی تحت پوشش قرار می‌گیرد و نیازی به ذکر جداگانه و مجدد آن نیست.

۲- در ماده (۱-۱۱) در معرفی سناریوی جایگزین (بحران)، طبقه‌بندی مناسبی از سناریوهای قابل طراحی در این مدل ارائه نشده است. در حقیقت پس از بحران اخیر در طراحی سناریوها به ضرورت طراحی سه نوع سناریوی کلی اشاره شده است؛ سناریوی بنگاه‌گستر، که به مسائل و مشکلات منتج از اختلالات درونی مؤثر بر شکل‌گیری ریسک نقدینگی می‌پردازد؛ سناریوی بازارگستر، که بر مسائل و مشکلات منتج از اختلالات بیرونی و بازاری مؤثر بر شکل‌گیری ریسک نقدینگی متمرکز است؛ و سناریوی ترکیبی، سناریویی متشکل از ارتباط موجود بین دو سناریوی فوق. از این رو ضروری است در طراحی سناریوهای استرس، بر ضرورت طراحی سه نوع سناریوی کلی فوق تأکید شود.

۳- در ماده (۱-۱۱) در معرفی سناریوی جایگزین (بحران)، به ضرورت طراحی سناریوهایی با احتمال اندک اما با اثر مخرب شدید توجه نشده است. این در حالی است که در بحران اخیر، بانک‌ها به دلیل عدم توجه به ضرورت طراحی چنین سناریوهایی و در نتیجه عدم آمادگی جهت مقابله با شرایط مخرب آنها، تا مرحله

ورشکستگی پیش رفتند. بنابراین توصیه می‌شود در طراحی سناریوها (اعم از بنگاه گستر، بازار گستر و ترکیبی) بانک‌ها به در نظر گرفتن حوادثی با احتمال اندک اما با اثر مخرب شدید ملزم گردند.

۴- در ماده (۱۱-۱) در طراحی سناریوی استرس، به افق حداقل پنج روز کاری در شکل دهی افق سناریوی بحران اشاره شده است. این در حالی است که تجربه بحران اخیر مؤید امکان طولانی تر شدن دوره بحران و ضرورت آمادگی بانک برای مقابله با شرایط استرسی است که دوره زمانی طولانی تری ادامه می‌یابند. از این رو ضروری است در افق زمانی سناریوی بحران تجدیدنظر شود و این سناریو برای بازه‌های زمانی مختلفی طراحی گردد تا آمادگی بانک را جهت مقابله با انواع مختلف سناریوی بحران فراهم نماید.

۵- در ماده (۱۱-۲) در معرفی مفروضات در خصوص میزان و ترکیب دارایی‌ها، به طبقه‌بندی هر یک از دارایی‌ها بر حسب درجه نقدشوندگی آنها اشاره شده است. در واقع در این رهنمود صرفاً در این ماده به ضرورت طبقه‌بندی دارایی‌ها پرداخته شده است، در حالی که ضروری است حتی در صورت عدم طراحی سناریوی استرس، جهت مدیریت مناسب منابع مالی و مدیریت وثیقه، این فرایند صورت پذیرد. از این رو طبقه‌بندی دارایی‌ها بر حسب درجه نقدشوندگی که از جمله وظایف متصور در واحد کنترل ریسک نقدینگی است می‌باید در مقوله مدیریت منابع مورد توجه قرار گیرد، مدیریتی که در این رهنمود به آن اشاره‌ای نشده است.

۶- در این ماده مفروضاتی جهت طراحی سناریوها معرفی شده‌اند اما به ویژگی‌های مفروضات به کاررفته در سناریوها از جمله منطقی بودن، واقع بینانه بودن، تناسب مفروضات با سطح ریسک‌پذیری بانک و ضرورت مستندسازی فروض اشاره‌ای نشده است. همچنین به ضرورت بازبینی فروض و یا تجدیدنظر در فروض در صورت پدید آمدن شرایط خاص (خارج از دوره زمانی منظم در نظر گرفته شده برای بازبینی فروض) پرداخته نشده است. فروض در نظر گرفته شده در طراحی سناریوها باید در بازه‌های زمانی خاص توسط بخشی در بانک مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند که این مسأله در این رهنمود به طور کامل نادیده انگاشته شده است. در واقع این مسأله باید به عنوان وظیفه بخش خاصی تعریف شود. البته در کنار فروض

- تشکیل‌دهنده سناریو، خود سناریو نیز باید مرتب بازبینی شود و توسط بخش خاصی ارزیابی گردد.
- ۷- در طراحی آزمون‌های استرس باید به قضاوت‌های کیفی خبرگان و مدیران مؤسسه توجه شود، مقوله‌ای که در این رهنمود مورد توجه قرار نگرفته است؛ در حالی که پس از بحران سعی شده وزن بیشتری برای این امر در طراحی آزمون‌های استرس در نظر گرفته شود، زیرا اتکای صرف به مدل‌های ریاضی نمی‌تواند آزمون‌های استرس جامع و کارایی را حاصل نماید.
- ۸- در این ماده هیچ نوع کاربردی برای نتایج حاصل از آزمون‌های استرس در نظر گرفته نشده است. در صورت عدم به‌کارگیری نتایج این آزمون‌ها در مدیریت ریسک نقدینگی، نمی‌توان از آمادگی بانک جهت مقابله با شرایط بحرانی اطمینان حاصل نمود. از این‌رو ضروری است در این رهنمود به نحوه کاربرد نتایج آزمون‌های استرس اشاره شود.

• ماده ۱۲

- ۱- در ماده ۱۲ صرفاً به تصویب برنامه اقتضایی توسط هیأت مدیره اشاره شده است. هر چند در ساختار سازمانی طراحی شده جهت مدیریت ریسک نقدینگی در بند ج از ماده (۵-۱)، ارائه برنامه اقتضایی به کمیته عالی مدیریت ریسک بر عهده کمیته فرعی ریسک نقدینگی نهاده شده اما به وظیفه طراحی این برنامه و ضرورت محول نمودن آن بر بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی توجه نشده است.
- ۲- در ماده (۱۲-۱) برنامه اقتضایی به عنوان رویه‌هایی به منظور پیشگیری از وقوع شرایط بحرانی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که توسط برنامه اقتضایی به پیشگیری از شرایط بحرانی نمی‌پردازند بلکه راهکارهایی جهت برون‌رفت و مقابله با شرایط بحرانی تنظیم و طراحی می‌کنند. بنابراین توصیه می‌شود در متن این رهنمود به جای عبارت «پیشگیری از وقوع شرایط بحرانی»، «مقابله یا مواجهه با شرایط بحرانی» درج شود.
- ۳- در ماده (۱۲-۲) در تعیین سیاست‌هایی برای گذر از شرایط بحرانی، در بند الف به ضرورت تعیین مقام مسئول جهت تشخیص و مدیریت بحران اشاره شده است. از

آنجا که در ساختار سازمانی تنظیم شده در این رهنمود در بند ج از ماده (۱-۵)، معرفی مقام مسئول تشخیص و مدیریت بحران به کمیته عالی مدیریت ریسک بر عهده کمیته فرعی ریسک نقدینگی نهاده شده است، لذا توصیه می شود خط ارتباطی مناسبی از مرحله معرفی تا تأیید نهایی این مقام در ساختار سازمانی یا ساختار حاکمیت شرکتی به تصویر کشیده شود. در حقیقت در شرایط فعلی، هیأت مدیره به عنوان جزء اصلی ساختار حاکمیت شرکتی، مسئولیتی در قبال این وظیفه خطیر بر عهده نگرفته است در حالی که به نظر می رسد تأیید نهایی مقام معرفی شده باید از طرف آن صورت پذیرد.

۴- در ماده (۲-۱۲) صرفاً به معرفی مقام مسئول جهت تشخیص و مدیریت بحران بسنده شده، هر چند در ادامه به تفکیک صریح و صحیح مسئولیت ها و تفویض اختیارات به مدیران و کارکنان ذی ربط اشاره شده است، اما به صورت مستقیم، به ضرورت تنظیم تیم بحران پرداخته است، تیمی که مدیریت آن بر عهده فرد مشخص شده در بند الف این ماده می باشد. ارتباط بین مدیر بحران و دیگر مدیران و کارکنان ذی ربط در بند ب صرفاً در صورت معرفی تیم بحران شکل می پذیرد و در غیر این صورت، مفهوم واژه «ذی ربط» در این بند، نامفهوم خواهد بود.

۵- در بند ج این ماده مقوله مدیریت اطلاعات در حیطه مدیریت بحران مورد توجه قرار گرفته است. ضروری است در این بند به اتخاذ تدابیر لازم جهت اطلاع اعضای تیم بحران از فرایندهای مورد نیاز در انتقال نقدینگی و دارایی در بین گروه و یا در حیطه فرامرزی نیز اشاره شود. در حقیقت اعضای تیم باید قبل از ورود به شرایط بحران از آگاهی لازم در این زمینه برخوردار باشند.

۶- در بندهای و، ز این ماده به نحوه مدیریت مالی در هنگام بحران پرداخته شده است اما در این برنامه باید به ارتباط موجود بین آزمون های استرس انجام شده و تعیین میزان منابع احتیاطی در دسترس توجه کافی مبذول می شد که در این رهنمود این مسأله مورد توجه واقع نشده است. در حقیقت، از یک طرف مشخص نیست که بانک به چه علت باید آزمون استرس انجام دهد، وقتی از نتیجه آن استفاده ای نخواهد شد؛ و از طرف دیگر نحوه تعیین میزان منابع احتیاطی در دسترس در برنامه تأمین مالی به تصویر کشیده شده در این رهنمود مشخص نشده است. به

بیان دقیق‌تر، در این رهنمود مشخص نشده است که برنامه تأمین مالی اقتضایی بر چه پایه و اساسی طراحی می‌شود. علاوه بر آزمون‌های استرس، دیگر مسائلی که در شکل‌دهی برنامه تأمین مالی اقتضایی باید مورد توجه قرار گیرند از جمله اثرات دور دوم مربوط به اجرای برنامه تأمین مالی اقتضایی، احتمال استفاده از نقدینگی بین گروهی یا فرامرزی و ... نادیده انگاشته شده‌اند.

۷- در زمینه آزمون این برنامه صرفاً در تبصره این ماده به ضرورت بازنگری منظم برنامه اقتضایی با توجه به تغییر در شرایط درون و برون مؤسسه توسط مؤسسه اعتباری اشاره شده است. این در حالی است که این برنامه باید همواره و به صورت دوره‌ای ارزیابی شود و در صورت بروز تغییراتی در شرایط درونی و بیرونی، خارج از بازه زمانی در نظر گرفته‌شده، بازنگری شود. از این رو باید جمله‌بندی این عبارت تغییر یابد و دو حالت ارزیابی «دوره‌ای» و «در شرایط خاص» را در نظر بگیرد.

۸- در این ماده به ضرورت ارزیابی برنامه تأمین مالی توجهی نشده است در حالی که حتی قبل از به‌کارگیری آن باید کارایی و عملیاتی‌بودن به صورت دقیق ارزیابی شده باشد.

۹- در این ماده به ضرورت تأیید کل برنامه تأمین مالی طراحی شده توسط هیأت مدیره توجه نشده است و صرفاً خط ارتباطی اندکی که در ارتباط با این برنامه در رهنمود طراحی شده، به ضرورت تأیید مقام مسئول این برنامه جهت تأیید اشاره دارد. در حالی که برنامه تأمین مالی طراحی شده توسط این مقام و تیم بحران باید پس از ارزیابی، به تأیید مقام بالاتری نیز برسد.

• ماده ۱۳

۱- در ماده (۱-۱۳)، مؤسسه اعتباری ملزم به در نظر گرفتن سیستم کنترل داخلی مؤثر و کارایی برای مدیریت ریسک نقدینگی گردیده است. این در حالی است که سیستم کنترل داخلی به مدیریت ریسک نقدینگی نمی‌پردازد بلکه به عنوان بخشی از فرایند کلی مدیریت ریسک نقدینگی، اطمینان از اثربخشی رویه‌های مدیریت ریسک نقدینگی را تأمین می‌نماید. از این رو عبارت فوق تصویر نامناسبی از سیستم کنترل داخلی به تصویر می‌کشد و باید در جمله‌بندی آن تجدیدنظر شود.

۲- عموماً در رهنمودهای بین‌المللی و حتی رهنمودهای تنظیم‌شده در کشورهای مختلف، مواد پوشش‌دهنده کنترل داخلی در بحث مربوط به حاکمیت شرکتی عنوان می‌شوند نه در زیربخش پوشش‌دهنده مقررات داخلی. هر چند برای سیستم کنترل داخلی و فرایند آن می‌توان مقرراتی را نیز در نظر گرفت، اما مقوله کنترل داخلی به‌عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار حاکمیت شرکتی باید در هنگام معرفی این ساختار تحت پوشش قرار گیرد.

۳- در بند د از ماده (۱-۱۳)، سیستم کنترل داخلی ملزم به برخورداری از سیستم اطلاعاتی مناسبی گردیده است. از آنجا که در ماده ۸ نیز به سیستم اطلاعاتی اشاره شده است، تمایز بین این دو سیستم اطلاعاتی برای خواننده روشن نیست. در حقیقت، از آنجا که نمی‌توان در کل مؤسسه اعتباری بیش از یک سیستم اطلاعاتی متصور شد، بهتر است به لزوم برقراری ارتباط بین سیستم اطلاعاتی و سیستم کنترل داخلی اشاره شود. به بیان دقیق‌تر، سیستم کنترل داخلی در اعمال وظایف کنترلی صرفاً از اطلاعات موجود در سیستم اطلاعاتی استفاده نخواهد کرد؛ بلکه در برخی موارد، باید انسجام و قابلیت اعتماد اطلاعات منتشرشده توسط این سیستم نیز ارزیابی شود. از این‌رو ذکر نحوه همکاری بین این دو سیستم به جای ضرورت برخورداری سیستم کنترل داخلی از سیستم اطلاعاتی مناسب، توصیه می‌شود.

۴- در این ماده به عمده‌ترین وظایف سیستم کنترل داخلی اشاره نشده است، وظایفی که مشتمل بر ارزیابی نحوه مدیریت ریسک نقدینگی است. در حقیقت، باید کلیه ابعاد مدیریت ریسک نقدینگی در این سیستم ارزیابی شود و از کفایت و به‌روزبودن آنها اطمینان حاصل گردد. این فرایند شامل ارزیابی کلیه فرایندهای در نظر گرفته‌شده جهت شناسایی، اندازه‌گیری، پایش و کنترل ریسک نقدینگی می‌باشد. به‌عنوان مثال، ارزیابی روش‌های اندازه‌گیری کلیه ریسک‌های نقدینگی، از جمله مدل‌ها و نسبت‌های مورد استفاده؛ ارزیابی کفایت و نحوه گزارش‌دهی داخلی و خارجی؛ ارزیابی کفایت حدود تنظیم‌شده و میزان تخلف از حدود تنظیم‌شده؛ ضرورت تعدیل حدود؛ کفایت آزمون‌های استرس و مدل تأمین مالی اقتضایی طراحی‌شده و ارزیابی فروض تشکیل‌دهنده این آزمون‌ها و مدل تأمین مالی؛ ارزیابی سپر نقدینگی و ...

۵- در این ماده به ضرورت استقلال سیستم کنترل داخلی از دیگر بخش‌های مدیریت ریسک نقدینگی اشاره‌ای نشده است، این در حالی است که استقلال این سیستم در فرایند مدیریت ریسک نقدینگی کارا از اهمیتی کلیدی برخوردار است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنجا که عدم به کارگیری ساختار مناسب جهت مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران منتج از عوامل مختلفی از جمله عدم پشتوانه مقرراتی و اجرایی لازم توسط بانک مرکزی می‌باشد و بانک مرکزی نیز در این زمینه صرفاً یک رهنمود تنظیم نموده که تا کنون توسط سیستم بانکی به مرحله اجرا درنیامده است، ضروری است جهت پرکردن شکاف مقرراتی، گام مؤثری برداشته شود و سپس بانک‌ها به پشتوانه الزامات اجرایی، به سمت و سوی اجرای این مقررات سوق داده شوند، هر چند به دلیل عدم برخورداری بانک‌ها از نیروی متخصص مورد نیاز تا مرحله اجرای کامل این مقررات نیز شکاف زیادی مشاهده می‌شود.

در مرحله پرکردن شکاف مقرراتی نیز ضروری است بر اساس ارزیابی‌هایی که در این مقاله در ارتباط با هر یک از بندهای رهنمود فعلی مدیریت ریسک نقدینگی انجام شده - بر اساس مطالعه قبلی رهنمودهایی که در عرصه بین‌المللی پس از بحران مالی اخیر تنظیم شده‌اند - رهنمود جدیدی برای مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی تنظیم شود. در کنار این رهنمود، شناسایی دیگر شکاف‌های مقرراتی و تنظیم مقرراتی در حوزه‌های شناسایی شده می‌تواند به عنوان گام مؤثری در حرکت به سمت اجرایی نمودن این مقررات و سوق دادن بانک‌ها به سمت به کارگیری آنها و در نهایت، پیاده‌سازی مدیریت مناسب و ریسک نقدینگی در سیستم بانکی در نظر گرفته شود. از جمله این شکاف‌های مقرراتی می‌توان به نبود رهنمودی در زمینه تنظیم سپر نقدینگی، طراحی آزمون استرس، الگوی مناسب افشا و گزارش‌دهی اشاره نمود. همچنین عدم تنظیم وظایف مصوب بانک مرکزی در حوزه نظارت بر مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها از دیگر شکاف‌های مقرراتی است.

گرچه در زمینه تنظیم سپر نقدینگی همچنان نیاز به گسترش ابزارهای پولی و مالی و معرفی ابزارهای جدید در بازار پول احساس می‌شود، ابزارهایی که از درجه نقدشوندگی بالایی برخوردار باشند و در بازاری با عمق زیاد معامله شوند تا بتوان بر اساس آنها در قالب رهنمود تنظیم سپر نقدینگی، مجموعه‌ای از این دارایی‌ها را در پرتفوی بانک برای مدیریت مناسب ریسک نقدینگی نگهداری نمود.

منابع و مأخذ

- فارسی

- اداره مطالعات و مقررات بانکی. (۱۳۸۶). رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی. مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. از سایت www.cbi.ir
- خوشنود، زهرا؛ اکبری آلاشتی، طاهره و خوانساری، رسول. (۱۳۹۱). پروژه طراحی رهنمود جدید برای مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم بانکی ایران. تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

- انگلیسی

- Basel Committee on Banking Supervision. (2000). *Sound Practices for Managing Liquidity in Banking Organizations*. February. From www.bis.org
- Basel Committee on Banking Supervision. (2008). *Liquidity Risk: Management and Supervisory Challenges*, February. From www.bis.org
- Basel Committee on Banking Supervision. (2008). *Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision*, September. From www.bis.org
- Basel Committee on Banking Supervision. (2009). *International Framework for Liquidity Risk Measurement, Standards, and Monitoring*, December. From www.bis.org
- Committee of European Banking Supervisors. (2008). *Second Part of CEBS's Tactical Advice to the European Commission on Liquidity Risk Management: Analysis of Specific Issues Listed by the Commission and Challenges not Currently Addressed in the EEA*, September. From www.eba.europa.eu
- Institute of International Finance. (2007). *Principles of Liquidity Risk Management*, March. From www.iif.com

پیوست

انتقادهای کلی وارد بر رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی

شماره ماده	عنوان ماده	انتقاد
۱	تعاریف	- عدم ضرورت لحاظ بخش تعاریف - ضرورت محدودتر کردن جامعه هدف
۲	اهداف مدیریت نقدینگی	- نامناسب بودن عنوان ماده - عدم هماهنگی بین ماده ۱ و ۲ در استفاده از تعریف نقدینگی - عدم پوشش ریسک نقدشوندگی داراییها
۳	فرایند مدیریت ریسک نقدینگی	- عدم پوشش کلیه فرایندهای متداول مدیریت ریسک نقدینگی - عدم حفظ سلسله مراتب لازم در معرفی فرایندهای مدیریت ریسک نقدینگی - عدم هماهنگی بین این ماده و دیگر مواردی که در ارتباط با آن طراحی شدهاند (ماده ۱-۳ و ماده ۷) - عدم استفاده از واژههای مناسب و مصطلح - توجه صرف به حدود ریسک نقدینگی ارزشهای عمده به جای توجه گسترده تر به انواع مختلف حدود مورد نیاز در کنترل ریسک نقدینگی - توجه بر ضرورت پیش‌بینی سناریوهای مختلف به جای توجه به ضرورت تدوین آزمون استرس (سناریوسازی بخشی از آزمون استرس است)
۴	استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی	- برداشت نامناسب از واژه استراتژی - عدم توجه به ضرورت وجود ارتباط بین استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی و استراتژی کلی مدیریت ریسک - ضرورت مشخص شدن ریسک‌های مورد توجه در مدیریت

شماره ماده	عنوان ماده	انتقاد
		<p>ریسک نقدینگی در تدوین استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی</p> <p>- ضرورت تجدیدنظر سالانه در استراتژی مدیریت ریسک نقدینگی</p> <p>- عدم توجه به ضرورت استخراج سیاست‌ها بر پایه استراتژی</p>
۵	ساختار سازمانی مدیریت ریسک نقدینگی	<p>- عدم ضرورت تصریح ساختار سازمانی مدیریت ریسک نقدینگی در رهنمود مدیریت ریسک نقدینگی</p> <p>- عدم تطابق ساختار سازمانی طراحی شده با مؤسسات تحت شمول این رهنمود</p> <p>- عدم تصریح وظایف اجزای اصلی ساختار سازمانی مدیریت ریسک نقدینگی (هیئت مدیره و مدیریت ارشد)</p> <p>- ضرورت معرفی مقام مسئول تشخیص و مدیریت بحران در برنامه تأمین مالی اقتضایی و نه در بخش ساختار سازمانی</p> <p>- عدم تخصیص وظایف مناسب برای کمیته فرعی ریسک نقدینگی</p> <p>- عدم ترسیم خطوط گزارش‌دهی لازم در ساختار سازمانی ترسیم‌شده</p> <p>- ضرورت ترسیم صرف ویژگی‌های کلی گزارش‌دهی (خطوط کلی گزارش‌دهی، موارد لازم جهت گزارش‌دهی و تناوب ارائه گزارش)</p> <p>- توجه به ضرورت ارزیابی مناسب بودن مدل اندازه‌گیری ریسک نقدینگی با وجود محول نکردن وظیفه طراحی آن به واحدی خاص</p>
۶	مقررات داخلی	<p>- عدم تعیین واحد تنظیم‌کننده مقررات داخلی و تناوب زمانی لازم برای بازبینی و تصویب مجدد این مقررات</p>

شماره ماده	عنوان ماده	انتقاد
		<p>- عدم توجه به ضرورت تنظیم رویه‌هایی برای مدیریت ریسک نقدینگی در سیستم‌های پرداخت</p> <p>- عدم برقراری تمایز لازم بین نسبت‌های نقدینگی و شاخص‌های هشداردهنده زود هنگام</p> <p>- عدم توجه به ضرورت تنظیم مقررات داخلی در زمینه مدل‌سازی ریسک نقدینگی، تأمین مالی اقتضایی، افشا، نحوه همکاری با ناظران خارجی</p>
۷	مدیریت دسترسی به بازار	<p>- توجه به برخی از ابعاد مدیریت دسترسی به بازار</p> <p>- عدم توجه به مدیریت وثیقه در مدیریت دسترسی به بازار</p> <p>- عدم توجه به ضرورت تنظیم سپر نقدینگی</p> <p>- عدم توجه به ضرورت قیمت‌گذاری دارایی‌ها و شناسایی بازارهای مالی برای نقد نمودن یا وثیقه‌سپاری آنها</p> <p>- عدم توجه به ضرورت اعمال مدیریت ریسک تمرکز در مقوله ریسک نقدینگی</p>
۸	سیستم اطلاعاتی	<p>- عدم توجه به ضرورت تشکیل پایگاه اطلاعاتی</p> <p>- عدم طراحی خطوط ارتباطی لازم بین اجزای ساختار حاکمیت شرکتی و سیستم اطلاعاتی</p> <p>- عدم توجه به ضرورت ارائه اطلاعات در طول روز توسط سیستم اطلاعاتی (و نه صرفاً به صورت روزانه)</p> <p>- ضرورت توانایی ارائه اطلاعات در سطح کل گروه مادر بانکی توسط سیستم اطلاعاتی (و نه صرفاً در سطح مؤسسه اعتباری)</p> <p>- ضرورت توجه به امکان ارائه اطلاعات در ارتباط با ترکیب دارایی‌ها، ارزش‌گذاری بازاری و مقدار قابلیت نقدشوندگی آنها (در کنار ارائه اطلاعات در خصوص ترکیب بدهی‌ها)</p>

شماره ماده	عنوان ماده	انتقاد
۹	اندازه‌گیری و مراقبت خالص جریان‌های نقدی	<p>- نامناسب بودن عنوان ماده در مقایسه با مفهوم پایش و کنترل ریسک نقدینگی</p> <p>- ضرورت درج مقوله جمع‌آوری کلیه اطلاعات لازم در بحث سیستم اطلاعاتی و نه در این ماده</p> <p>- عدم توجه به ضرورت محاسبه خالص جریان‌های نقدی برای دوره‌های کوتاه‌مدت‌تر از پنج روز کاری</p> <p>- عدم معرفی نحوه تنظیم و پیشنهاد انواع مختلف حدود و مقام مسئول ذی‌ربط</p> <p>- عدم توجه به ضرورت بازبینی و تعدیل حدود</p>
۱۰	مدیریت ریسک نقدینگی ارزش‌های عمده	<p>- ضرورت تلفیق ماده ۱۰ در موادی که به ترتیب مقوله‌های شناسایی و اندازه‌گیری ریسک نقدینگی، کنترل ریسک نقدینگی و مدیریت دسترسی به بازار را تحت پوشش قرار می‌دهند</p> <p>- مشخص نشدن مقام تنظیم‌کننده و پیشنهادکننده حدود</p> <p>- عدم اشاره به ضرورت بازبینی دوره‌ای و ضرورت تعدیل حدود ارزی در شرایط خاص</p> <p>- ضرورت جایگذاری واژه حدود به جای محدودیت‌ها</p>
۱۱	سناریوهای مدیریت نقدینگی	<p>- عدم ضرورت ذکر سناریوی اصلی (تداوم فعالیت) به عنوان سناریویی در مدیریت ریسک نقدینگی</p> <p>- عدم ارائه طبقه‌بندی مناسب از سناریوی جایگزین (بحران)</p> <p>- عدم توجه به ضرورت طراحی سناریوهایی با احتمال اندک اما اثر مخرب شدید</p> <p>- ضرورت توجه به امکان طولانی‌تر شدن دوره بحران در طراحی سناریوی استرس (بیش از افق حداقل ۵ روز کاری در نظر گرفته شده در این ماده)</p>

انتقاد	عنوان ماده	شماره ماده
<p>- ضرورت لحاظ طبقه‌بندی دارایی بر حسب درجه نقدشوندگی در حیطه مدیریت دسترسی به بازار، نه در مبحث طراحی آزمون استرس*</p> <p>- عدم توجه به ضرورت منطقی و واقع‌بینانه‌بودن فروض مورد استفاده در سناریوسازی، مستندسازی آنها و ضرورت بازبینی و ارزیابی آنها در بازه‌های زمانی خاص</p> <p>- عدم توجه به قضاوت‌های کیفی خبرگان و مدیران در طراحی آزمون‌های استرس</p> <p>- عدم لحاظ هیچ نوع کاربردی برای نتایج حاصل از آزمون‌های استرس</p>		
<p>- ضرورت محول نمودن وظیفه طراحی برنامه اقتضایی بر عهده بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی</p> <p>- ضرورت در نظر گرفتن برنامه اقتضایی به عنوان روبه‌ای جهت برون‌رفت و مقابله با شرایط بحرانی و نه پیشگیری از وقوع این شرایط</p> <p>- ضرورت تأیید مقام مسئول تشخیص و مدیریت بحران توسط هیأت مدیره</p> <p>- عدم توجه به ضرورت تنظیم تیم بحران</p> <p>- عدم توجه به ضرورت اطلاع اعضای تیم بحران از فرایندهای مورد نیاز در انتقال نقدینگی و دارایی در بین گروه و یا در حیطه فرامرزی</p> <p>- عدم توجه به ضرورت وجود ارتباط بین آزمون‌های استرس و برنامه تأمین مالی اقتضایی</p> <p>- ضرورت بازنگری دوره‌ای در برنامه تأمین مالی اقتضایی حتی</p>	برنامه اقتضایی	۱۲

شماره ماده	عنوان ماده	انتقاد
		با عدم تغییر در شرایط درون و برون مؤسسه - ضرورت ارزیابی کارایی و عملیاتی بودن برنامه قبل از به‌کارگیری - ضرورت تأیید برنامه تأمین مالی اقتضایی توسط هیأت مدیره
۱۳	سیستم کنترل داخلی	- برداشت نادرست از مفهوم سیستم کنترل داخلی - ضرورت لحاظ مقوله کنترل داخلی در بخش حاکمیت شرکتی و نه در بخش مقررات داخلی - نامفهوم بودن برخورداری سیستم کنترل داخلی از سیستم اطلاعاتی مناسب - اشاره نکردن به عمده‌ترین وظایف سیستم کنترل داخلی - عدم توجه به ضرورت استقلال سیستم کنترل داخلی از دیگر بخش‌های مدیریت ریسک نقدینگی

* در حقیقت در طراحی آزمون استرس می‌بایست از طبقه‌بندی فوق، که باید همواره در بخش مدیریت دسترسی به بازار انجام و مرتب به روز شود، استفاده گردد؛ در حالی که در این رهنمود بر اساس رویکرد طراحی شده، این امر در بخشی انجام خواهد شد که به طراحی آزمون استرس می‌پردازد، نه به مدیریت دسترسی به بازار.